

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

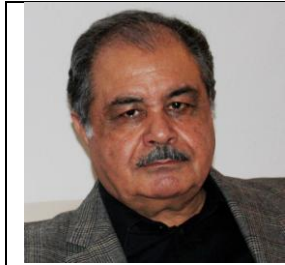
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر : 14 اکتوبر 2015 م

زبان دری از گفتار تا نوشتار

بخش هفتم

نا سازگاری صفت با موصوف :

در زبان پارسی دری صفت با موصوف از نگاه شماره برابر نمی آید . اگر موصوف مفرد یا یکی باشد صفت مفرد می آید و اگر موصوف جمع باشد نیز صفت مفرد می باشد .

شهر آباد

شهرهای آباد

ماده مخدر

مواد مخدر

در همین جا باید روشن سازم که صیغه فاعلی مخدر از مصدر تخدیر ساخته شده که سخت رواج یافته است ، مگر برای کاربرد وجه مونث آن یعنی مخدره هیچ ضرورتی دیده نمی شود .

ناسازگاری عدد ، وابسته های عددی و معدود :

عدد یا شماره برای اندازه گیری زمان ، پیمانه چیزها و پیمایش کیفیتها به کار می رود ، مانند :

دوساعت ، دوسده ، یک دهه

سه قیراط طلا ، پنج گرام عسل ، سه بسوه زمین ، ده متر تکه

چهل درجه تب ، منفی ده درجه سرما

در مثالهای یادشده قیراط برای طلا ، گرام برای عسل ومانندهای آن و بسوه بری زمین و متر برای تکه و وابسته های عددی اند .

به یاد باید اشدت که عدد هر قدر باشد معدود مفرد می آید ، یعنی شماره هر چند باشد شمرده یکی می

باشد . یک نقاش ، ده نقاش . یک غم ، هزار غم . هزارباده ناخورده دررگ تاک است .

سد (صد) نغمه سرودیم و نشد بازلب ما

هزاردل شکند تا یکی درست کند - فلک سلیقه شاگرد شیشه گردارد

وابسته های عددی یا واحدهای سنجش :

جای دادن وابسته عددی بین عدد و معدود یا بین شماره و شمردن در پیشینگان حتمی بود و اکنون هم در زندگی روزمره بارها می گوئیم : یک قرص نان ، یک گیلان آب ، دو . گاهی کارآمد است کیلوبوره ، دوجوره دستکش

امروزه کمتر رعایت می شود . تنها در نوشته های دفتری و بازرگانی کاربرد دارد . در هر حال آشنایی با وابسته های عددی که کدام با کدام معدود می آید از ضرورت های نوشتار است . برای درمان مانی از لغزشهای احتمالی اینک فهرستی از وابسته های عددی با جای کاربرد آنها نوشته می شود :

اصلیه برای انواع درخت

باب برای دکان ، مکتب ، خانه ، اپارتمان

محراب برای مسجد

در بند برای حویلی ، سرای ، باغ و باغچه

قطعه برای زمین ، مرغ ، مرغ آبی ، فیل مرغ

قلم برای تباشیر

تخته برای قالین ، گلیم ، نمد و کاغذ

قرص برای نان و تابلت های دوا

حلقه برای تایر

حجر برای آسیا

رأس برای گاو ، گوسپند

زنجیر برای فیل

قبضه برای شمشیر ، کارد

میل برای سلاح ، تفنگ ، تفنگچه ، ماشین دار ، توپ

کوهان برای شتر

پایه برای چوکی و میز و الماری و رادیو و تلویزیون

درجن برای قاشق پنجه ، پیاله ، گیلان ، بشقاب و شش یا دوازده تایی هر ظرف

جلد برای کتاب

عراده برای تیز رفتار ، بایسکل ، موتر سکل

فروند و بال برای طیاره

دست برای دریشی ، پیرهن تنبان ، کالا

جوره برای جراب ، دستکش ، گوشواره ، چپلی ، پیزار و دیگر پای افزارها و چیزهایی که دوتایی اند .

قلاده برای سگ

دسته برای گل و بعض سبزیها

توپ برای تکه

پارچه برای شعر ، غزل

جفت برای گاو قلبه بی

حلقه برای زنجیر

تان برای یک چپنوار تکه

ثوب برای پیراهن و جامه

برای دیگر چیزها غالباً دانه بکار می رود .

برای آسانی و آزادی از قید وابسته های عددی که قانون ودلیلی ندارند ، اگر بتوانیم و ممکن باشد عدد

و معدود را کنار هم بیاوریم بهتر خواهد بود .

گاهی برای پرهیز از غلط فهمی می توان وابسته عددی را . یک کتاب ، دو آسیا ، چهار گاو ، ده باغ بکار برد . طور مثال اگر بنویسیم که : یک گوشواره او گم شد . فهمیده نمی شود که یک لنگ گوشواره یا

یک جوهره . در آن صورت بهتر است واژه جوهره بین عدد و معدود آورده شود .

مطابقت فعل با فاعل :

درنثر این زمانی فارسی هرگاه فاعل جمع بود فعل جمع و هرگاه فاعل مفرد بود فعل مفرد بکار می رود .

برای نهاد مفرد فعل مفرد . هرچند قاعده چنان بود که در مورد جانداران فعل گزاره مطابق نهاد باشد و برای نهاد جمع فعل جمع به کار رود .

خبرنگار نیامد . خبرنگاران نیامدند . کناری می خواند ، کناریها می خوانند . اسپ شیهه می کشد . اسپها شیهه می کشند .

در مورد رستنیاها ؛ گاهی جمع و گاهی فعل مفرد به کار رفته است .

گلها شگفتند . گلها شگفت . سبزه ها خشک شدند . سبزه ها خشک شد .

و برای اسمهای معنا نیز ؛ همه جا فعل مفرد به کار ببرند . خاطره ها فراموش می شود .

برای اعضای دوتایی بدن هم فعل جمع به کار برند .

برای آدمهای محترم ؛ در حالت مفرد هم فعل جمع به کار برده شود .

پدرم گفتند . استاد نقاشی تشریف آوردند .

مگر این قاعده ها از زمانهای دور غرق در استثنا ها شده اند و آشفتگی در این کار هنوز برنوشته ها سایه افکنده است .

اینک چند نمونه اشتباه آمیز :

« بخاطری که افغانستان خط فاصل نام نهاد دیورند را ، که انگریزان در دوران استعمار تعیین کرده بود ، هیچگاهی به رسمیت نشناخته است . » (از گوگل فارسی)

در جمله نقل شده انگریزان واژه جمع است و فعل نیز باید جمع باشد ، یعنی تعیین کرده بودند .

« به گفته آقای صافی از نزد این افراد هفتاد کیلوگرام مواد مخدرویک قبضه اسلحه کلاشنیکوف نیز بدست آمده است . » (از گوگل فارسی)

در این جمله سه اشتباه هست .

یکم - واژه افراد که پستر ، زیر همین عنوان روشن خواهد شد .

دوم - قبضه ، وابسته عددیست که با تیغها می آید . یک قبضه شمشیر ، یک قبضه پیش قبض ، یک قبضه کارد با تفنگ ، تفنگچه و توپ میل به کار می رود . یک میل کلاشنیکوف

سوم - اسلحه واژه جمع است و با یک سازگار نیست . می بایست به جای آن سلاح نوشته می شد جمله دیگر :

انترنت « گروه اول کسانی است که هم در نظام هستند و هم با نظام در موارد معینی نا سازگاراند » سخن بر سر عبارت « کسانی است » است . نهاد جمع است ، باید فعل گزاره نیز جمع ، یعنی استند یا اند باشد .

در این سالهای اخیر اهل قلم بدان سو رخت از آشفتگی کشیده اند ؛ که در مورد اسمهای ذات هرگاه نهاد مفرد بود فعل مفرد بیاورند و هرگاه جمع بود فعل جمع به کار برند . در مورد اسمهای معنا نیز گاهی این اصل رعایت شده است و گاهی در مورد جمع و مفرد اسم معنا فعل مفرد به کار رفته است . اینک چند مثال :

« روزی از روزها ، هنگامی که مانند همیشه گلهای رنگارنگ شگفته بودند ، پرندگان می سرودند ، و صدای خنده و غلغله کودکان از کنار جویبار به گوش می رسید ، ناگهان باد سردی از جانب دشتهای دور به وزیدن آغاز کرد . » (از فاتح روی زمین ، سید بهاءالدین مجروح .)

« در حالی که حواس در تنگنای ظواهر گرفتاراند و فقط به احساس اموری که به سطح و ظاهر اجسام ارتباط دارد ؛ نایل می شوند و به حریم حقیقت اشیا راه ندارند . » (از تعلیق بر سلامان و ابسال جامی ، محمد اسماعیل مبلغ ...)

اکنون که از رواج هر دو گونه روش مثالها داریم راهی را باید برگزید که از آشفتگی بتوان برون رفت . بنابراین مرجح خواهد بود که با اسمهای جمع (معنا و ذات) فعل جمع و با اسمهای مفرد (معنا و ذات) فعل

مفرد بکاربرود .

شبهاگریختند وتوچون بادهای سرد ، همراه با سیاهی شبهاگریختی
دل بازبه جوش یارب آمد ، شب رفت وسحرنشده شب آمد
درخت سبزشد .

درختان سبزشدند .

حذف فعل باقرینه وحذف فعل بی قرینه :

درانشای فارسی حذف فعل باقرینه ستوده است . این گفته چه معنادارد .

« نه » به هم می درجمله های مرکب که ازدو فقره همپایه ساخته شده اند و با « و » ، « یا » و پیوندند ، فعل فقره نخستین به قرینه فعل فقره دومین حذف می شود .

حذف باقرینه دوشروط دارد :

فعل هر دو فقره مرکب باشد .

هردو فعل همسان باشند .

هردو فعل ازیک صیغه یا یک ریخت باشند .

درآن صورت فعل کمکی فقره اول را به قرینه فعل فقره دوم حذف می کنند . علت این کار ، پرهیز ازتکرار است . اکنون جمله بی را مثال می آورم که درآن بدون قرینه فعل حذف شده است : « در

جریان این تظاهرات ، که به خشونت گرایید و تیراندازی پلیس را بدنبال داشت ، دست کم یک

(نفرکشته ودوازده تن دیگر زخمی شدند .) (انترنت)

دراین جمله فعل کمکی « شد » فقره اول حذف شده است واین حذف نادرست است .

زیرا که فعل کمکی یامعاون فقره اول « کشته شد » ماضی مفرد است و فعل کمکی فقره دوم « زخمی شدند » جمع است . این دوفعل هم صیغه نیستند . اگراین جمله را چنین تغییر بدهیم ، حذف فعل

باقرینه می شود و خطا از میان می رود :

درجریان این تظاهرات که به خشونت گرایید و تیراندازی پلیس را بدنبال داشت ، دست کم دونفرکشته ودوازده تن زخمی شدند . « دیگر » زیادی نیز حذف کردنیست .

کاربرد فعل وصفی :

هرگاه دوفعل که دارای یک فاعل ویک زمان باشند و دریک جمله مرکب ، پیهم بیایند ، فعل فقره اول را می توانند ازوجه وصفی بیاورند .

وجه وصفی ازبن ماضی یا از ماده ماضی فعل لازم یاناگذر با هی غیر ملفوظ ساخته می شود .

مانند : رفته ، نشسته ، آمده

هرگاه چنین حالتی ازفعل متعدی ساخته شود ، آن را صفت مفعولی می گویند .

مانند کشته ، دیده ، شنیده ، آورده ، برده

در صورتی که در فقره نخستین جمله بی مرکب ، فعل ازوجه وصفی بیاید ، پس از آن واو عطف نباید نوشت ، مانند : کودک توپش را گرفته به پارک رفت . کودک دویده نزد مادرش آمد . نه چنین که :

کودک توپش را گرفته وبه پارک رفت یا کودک دویده و نزد مادرش آمد .

هرگاه فعلها از صیغه های ماضی نقلی یا ماضی بعید یا ماضی التزامی باشند ، نوشتن واو لازم است .

آتش فشان خاموش شده است ونرم نرمک دود از آن بر می خیزد .

آتشفشان خاموش شده بود ونرم نرمک دود از آن بر می خاست .

آتش فشان شاید خاموش شده باشد و نرم نرمک دود از آن بر خیزد .

جمع بستن کلمه های دری و

کلمه های دخیل زبانهای دیگر :

از کاربرد واژه های محصل ، متعلم ، معلم ، مامور ، مستخدم ، روحانی ، آمر ، پرهیز نمی توانیم .

این واژه های عربی دخیل در زبان دری ، بنابر عام شدن ، شناسنامه دری گرفته اند . مگردر جمع

بستن آنها نباید بر کاربرد پسوندهای جمع تازی پافشاری کرد . پس به جای آن صورتهای عربی ،

جمعهای دری پیشنهاد می شود:

به جای محصلین ، محصلان

به جای معلمین ، معلمان یا آموزگاران

به جای متعلمین ، متعلمان یا دانش آموزان یا شاگردان

به جای مامورین ، ماموران یا کارمندان

به جای مستخدمین ، مستخدمان یا خدمتگاران

به جای روحانیون ، روحانیان

همچنان:

به جای علما ، عالمان یا دانشمندان

به جای وکلا ، وکیلان ، نمایندگان

به جای رؤسا ، رئیسان

همچنان:

به جای مأخذ ، ماخذها یا سرچشمه ها

به جای مکاتب ، مکتبها

به جای دفاتر ، دفترها

به جای بنادر ، بندرها

به جای معابر ، معبرها یا گذرگاهها

به جای مناظر ، منظره ها

به جای مدارس ، مدرسه ها

به جای عساکر ، سربازان یا عسکرها

به جای مساجد ، مسجد ها یا نمازگاه ها

به جای مدارک ، مدرکها

همچنان:

به جای تصاویر ، تصویرها یا نگاره ها

به جای مکاتیب ، مکتوبها یا نامه ها

به جای اساتید ، استادان

به جای عناوین ، عنوانها یا سرنامه ها

همچنان:

به جای عبارات ، عبارتها

به جای جملات ، جمله ها

به جای خطرات ، خطرها

به جای فقرات ، فقره ها

شاید چنین پرسشی پیش آید، درحالی که فقره ، خطر، جمله ، عبارت و عنوان، استاد ، مکتب

و تصویر همه عربی اندو کاربرد آنها روا است، چرا کاربرد جمع عربی آنها ناروا باشد؟

کلمه های یادشده بخشی از گنجینه زبان فارسی و در ذهن جامعه ته نشینتر از برابرهای فارسی شده اند

و حتا معادل فارسی برای بسیاری از آنها نمی یابیم. چنین جایگاهی آن واژهها را خودی ساخته است

در باره جمعهای عربی، هرنوعش، چه سالم و چه مکسر، باید گفت که در صورت وجود دوشانه جمع

در فارسی (آن وها) به افزایش یک بحث درازدامن انواع جمع عربی در کتاب دستور زبان فارسی نیازی

نمی باشد .

داکتر اسدالله « حبیب »

بازگشت به صفحه اصلی www.said-afghani.org